

## مقاله پژوهشی: ارکان جهت‌ساز بخش خصوصی از منظر مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (دکترین، اهداف و سیاست‌ها)

مهدی صادقی نیارکی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۳/۳۱

### چکیده

هدف این مقاله جمع‌بندی بیانات و تبیین گفتمان رهبر معظم انقلاب در حوزه‌ی بخش خصوصی است که از طریق دستیابی به دکترین، اهداف و سیاست‌های امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) پیرامون موضوع محقق می‌گردد. در این راستا از روش تحقیق کیفی نظریه‌مبنایی (داده‌بنیاد) بهره‌گرفته شده و یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که دکترین ایشان در حوزه بخش خصوصی شامل "پیشرفت توأمان با عدالت"، "اداره امور اقتصاد مبتنی بر ارزش‌های اسلامی" و "احترام به اصل مالکیت بخش خصوصی" می‌باشد. همچنین اهدافی که ترسیم نمودند شامل "افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد ملی"، "تکاء به ظرفیت‌های اقتصاد بخش خصوصی"، "ارتقاء امنیت اقتصادی فعالیت بخش خصوصی"، "مشارکت‌افزایی عمومی برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی" و "اقتصاد رقابتی و رقابت‌گستر" می‌باشد. این دکترین و اهداف از طریق مؤلفه‌های سیاستی ذیل تحقق خواهد یافت. این مؤلفه‌ها شامل "توانمند کردن بخش خصوصی"، "ثبات اقتصادی برای فعالیت بخش خصوصی"، "مبارزه با فساد در حوزه اقتصاد"، "حمایت از تولید ملی برای جلب مشارکت بخش خصوصی" و "دانش‌بنیان نمودن فعالیت‌های اقتصاد بخش خصوصی" می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** بخش خصوصی، دکترین، اهداف و سیاست‌ها.

## مقدمه

"روح اصل ۴۴ هم این بود که ما بتوانیم اولاً سرمایه‌های مردم و بعد مدیریت مردم را وارد عرصه‌ی اقتصاد کنیم. باید سرمایه‌های مردم و مدیریت مردم - بخش خصوصی - وارد عرصه‌ی اقتصاد بشود؛ والا اگر مدیریت‌ها دولتی باقی ماند، آن مقصود حاصل نخواهد شد. البته در همان محدوده‌ای که این سیاست‌ها اجازه می‌دهند و با همان رعایت‌هایی که در قانون پیش‌بینی شده - که قانون هم قانون دقیقی است، قانون خوبی است - این را باید رعایت کنید. البته در برخی از سرمایه‌گذاری‌ها بخش خصوصی ناتوان است؛ یعنی واقعاً توانایی سرمایه‌گذاری ندارد. خوب، علاجش چیست؟ اگر بخش خصوصی همین‌طور ناتوان بماند، هیچ‌گرمی باز نخواهد شد؛ باید سیاست‌ها برود به این سمت که شما بخش خصوصی را قادر کنید بر اینکه بتواند زیر بار برخی از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ برود. این هم می‌شود یکی از سیاست‌ها. البته دولت وقتی که شانه‌ی خودش را از فعالیت‌های اقتصادی خالی می‌کند، معنایش این نیست که از اقتصاد کناره می‌گیرد؛ نه، سیاست‌گذاری‌ها باز هم در اختیار دولت است، دست دولت است؛ یعنی بایستی سیاست را دولت بگذارد، بایستی نظارت را دولت بکند." (۱۳۸۹/۰۶/۰۸، در دیدار رئیس‌جمهور و اعضا هیئت دولت)

این یکی از ده‌ها بیانات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص ضرورت ورود بخش خصوصی به اقتصاد ملی است. واقعیت این است که در دهه نخست انقلاب، به ویژه در دوران جنگ تحمیلی، دولت حجم گسترده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی را به خود اختصاص داده بود و در دهه دوم، سوم و چهارم گرایش به کاهش تصدی دولت و واگذاری فعالیت‌ها به بخش خصوصی به تدریج شدت گرفت و طی برنامه‌های پنج‌ساله اول تا پنجم زمینه عمل این تفکر تحقق یافت، اما با گذشت حدود چهار دهه از پیروزی انقلاب، علی‌رغم ابلاغ سیاست‌های کلی گوناگون از جمله سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به عنوان زیربنای اصلی بحث، با نتایج مورد انتظار فاصله داریم. با توجه به اینکه در دنیای امروزی، مسائل اقتصادی و بهره‌مندی از یک اقتصاد پیشرفته، توانمند و پویا توسط آحاد جامعه و فعالان بخش خصوصی ملاکی مهم برای ایفای نقش کشورها در سطح جهان است، تبیین بیانات و گفتمان جهت‌ساز (دکترین، اهداف و سیاست‌ها) مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) پیرامون بخش خصوصی به عنوان ارکانی هم‌افزا، پیشروی سیاست‌گذاران بخش، امری بس ضروری محسوب می‌شود.

اهمیت این پژوهش در آن است که اصول و مبانی نظری حاصل از مطالعات اکتشافی و یافته‌های آن می‌تواند الگویی بر اساس نظرات مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص

موضوع مقاله را ارائه نماید. انجام این پژوهش از این منظر که عدم تدوین دکترین، اهداف و سیاست‌های موردنظر مقام معظم رهبری، فرصت‌های موجود را برای تحقق انتظارات ایشان در خصوص بخش خصوصی را با توجه به گذر زود هنگام زمان از دست خواهد داد، ضرورت دارد. لذا مهم‌ترین مسئله این پژوهش "تدوین نشدن دکترین، اهداف و سیاست‌های مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در خصوص بخش خصوصی است."

### مبانی نظری و پیشینه‌شناسی تحقیق

تا به حال پژوهش‌های جامعی در خصوص تدوین و تبیین دکترین، اهداف و سیاست‌های مقام معظم رهبری در رابطه با بخش خصوصی صورت نگرفته است، اما چهار مقاله که به نوعی با کلیت موضوع در ارتباط است، به شرح ذیل می‌باشند:

#### ۱) مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری

این مقاله در بهار ۱۳۹۵ توسط حبیب‌اله دهقان و خسرو اسفندیاری صفا و در شماره ۶۱، دوره ۱۶ فصلنامه علمی پژوهشی مدیریت نظامی منتشر شده و بیان می‌دارد "در شاخصه‌های اقتصاد مقاومتی از منظر فرماندهی معظم کل قوا، ۲۷ شاخص کلیدی احصا شد که عبارت‌اند از: دانش‌محوری، اصلاح الگوی مصرف، امنیت اقلام راهبردی و اساسی، کاهش وابستگی به نفت، تبلیغات، تکیه بر تولید ملی، ریشه‌کنی فقر، ایجاد تراز اقتصادی مثبت، حاکمیت قانون، مبارزه با رکود اقتصادی، خصوصی‌سازی، خودکفایی در محصولات کشاورزی، استحصال از معادن به دور از خام‌فروشی، فعال شدن شرکت‌های دانش‌بنیان، تنقیح قوانین اقتصادی، اعتماد به نفس ملی، مدیریت مصرف، کاهش فاصله طبقاتی، مصرف‌زدگی، اسراف، نکوهش تجمل‌گرایی، قناعت، ارج‌دهی فرهنگ کار، ایجاد زنجیره تولید علم، علم‌گرایی، ایجاد فضای آرامش برای نخبگان، و حمایت از نخبگان".

#### ۲) تحلیل پیکره بنیاد گفتمان سیاست اقتصاد مقاومتی از دیدگاه مقام معظم رهبری

این مقاله در تابستان ۱۳۹۴ توسط سامان سامانی و شهرام مدرس خیابانی و در شماره ۸۲، سال بیست و دوم فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی منتشر شده و بیان می‌دارد "ایشان در تبیین گفتمان سیاست اقتصاد مقاومتی توجه زیادی به استقلال اقتصادی کشور از منابع فسیلی، به ویژه نفت و گاز و همچنین حمایت از تولیدات داخلی دارند. از دیدگاه مقام معظم رهبری، تکیه بر نقش مردم در انجام فعالیت‌های اقتصادی حائز اهمیت بسیار است؛ زیرا موجب می‌شود از تمام استعدادها و ظرفیت‌های داخلی به منظور تولید ثروت و دستیابی به قدرت و امنیت اقتصادی کشور استفاده شود. فرهنگ‌سازی در استفاده

از منابع فسیلی، آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی و هدفمندسازی یارانه‌ها از سیاست‌هایی هستند که می‌توانند مانع از اسراف و هدر رفت انرژی شوند.

**۳) بررسی موانع سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ایران (در راستای سیاست‌های کلی ابلاغی نظام)**  
این مقاله در پاییز ۱۳۹۳ بهار ۱۳۹۵ توسط سید عبدالمجید جلالی اسفندآبادی و سپیده صمیمی و در شماره ۷، دوره ۲ فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان منتشر شده و بیان می‌دارد "از آنجایی که بحث خصوصی‌سازی یکی از مقوله‌های مهم در بسیاری از کشورهای در حال توسعه به ویژه ایران است و اهدافی چون رقابت و کارایی اقتصادی، افزایش بازدهی سرمایه‌گذاری، استفاده بهینه از امکانات و غیره را دنبال می‌کند، لذا بررسی موانع اجرای صحیح خصوصی‌سازی و اهداف سیاست‌های کلی ابلاغ شده از سوی مقام معظم رهبری، از اهمیت بالایی برخوردار است. نتایج نشان می‌دهد که افزایش اندازه دولت، نوسان نرخ ارز و تورم دائمی، به عنوان مانعی جهت افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی (در مطالعه حاضر، سرمایه‌گذاری در صنایع با ۵۰ نفر نیروی کار و بیشتر)، هستند. نکته لازم به ذکر این است که اثر محدودکننده در این مدل، به خوبی نشان داده شده است. لذا، با توجه به اینکه یکی از موانع مهم در مسیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، اندازه دولت در اقتصاد بوده است، بنابراین، اجرائی شدن سیاست‌های اصلاحی اصل ۴۴ قانون اساسی که توسط مقام معظم رهبری مطرح شده است، را اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. طبیعی است، اجرائی شدن سیاست‌های ابلاغی می‌تواند سایر عوامل مانع در مسیر سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را تعدیل و به تدریج حذف سازد."

**۴) ارزیابی نهادگرا از جایگاه دولت و بازار در فرآیند توسعه ملی**

این مقاله در تابستان سال ۱۳۸۵ توسط فرشاد مؤمنی و در شماره دوم، سال ششم فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی منتشر شده و بیان می‌دارد "مرور تاریخی تحولات مربوط به مفهوم دولت و بازار و نیز فراز و نشیب‌هایی که در عرصه نظری شاهد بوده‌ایم، به وضوح نشانگر مجموعه‌ای از نکات است که توجه به آن‌ها در فرآیند برنامه‌ریزی توسعه و مواجهه خردمندان با شرایط جهانی شدن اقتصاد ضروری است: دولت و بازار بیش از آنکه ناظر بر مفاهیم صریح و روشنی باشند، حکایت از یک اشتراک لفظی می‌نمایند که در چارچوب الگوهای نظری متفاوت می‌باید به صورت عملیاتی تعریف و نسبت آن با واقعیت - که عبارت از انواع دولت‌ها و بازارهاست - مشخص شود.

نگاه نیوتنی به دولت و بازار که آن‌ها را به صورتی منفک و مجزا از یکدیگر در نظر می‌گیرد، بخش مهمی از واقعیت را کنار می‌گذارد، اما در عمل با فضای سیالی از انواع هماهنگی چه در درون دولت و

بازار و چه در بین آن‌ها روبرو هستیم. دولت و بازار، نهادهای انتزاعی و بی‌روحي نیستند و هر دو ضمن تعادل با نیروهای اجتماعی، از آن‌ها تأثیر می‌گیرند و بر آن‌ها اثر می‌گذراند.

دولت و بازار در عین حال که از توانمندی‌های مشخصی برخوردارند، کاستی‌ها و درماندگی‌های خاص خود را نیز دارند. دستیابی به ترکیب خردمندانه آن‌ها مستلزم در نظر گرفتن هر دو جنبه مسأله است.

در شرایط جهانی شدن اقتصاد مسئولیت‌های دولت رو به افزایش و پیچیدگی بیشتر می‌گذارد. در عین حال، بخش‌هایی از مسئولیت‌های سستی دولت به بازار و بنگاه‌ها واگذار می‌شود. این مسأله نه به معنای زوال دولت ملی و نه به معنای ضرورت پافشاری بر انجام مسئولیت‌های سستی و نادیده گرفتن قابلیت‌های بازار در زمینه جابه‌جایی برخی از مسئولیت‌هاست.

مهم‌ترین دستاورد رویکرد نهادگرایی به دولت و بازار، ایدئولوژی‌زدایی از ابزارهای هماهنگی است. نهادگرایان با نطق حداقل‌سازی هزینه‌های مبادله، به دقت مشخص می‌کنند که چگونه می‌توان متناسب با شرایط و اهداف از این ابزارهای هماهنگی به نحو کارآمدی استفاده کرد."

#### ادبیات و مفهوم‌شناسی:

همزمان با ظهور انقلاب صنعتی در میانه قرن هیجدهم میلادی، ایده‌گرایی به بازار و بخش خصوصی و حداقل دخالت دولت قوت گرفت که آدم اسمیت مکتب آزادی اقتصادی را پایه‌گذاری کرد. (رزاقی، ۱۳۷۶: ۱۰)

از سوی دیگر، در قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم، سوسیالیست‌ها و سایر منتقدین مکتب سرمایه‌داری، با تکیه بر دو محور ناعادلانه بودن و بی‌ثباتی نظام سرمایه‌داری، این مکتب را با چالش روبرو کردند. تبلور این تفکر، در اقتصاد متمرکز، با تأکید بر دیدگاه‌های مارکس، سرنوشت اقتصادی-سیاسی بخش عظیمی از جمعیت جهانی را از اولین پیروزی کمونیست‌ها در روسیه در سال ۱۹۱۷ دگرگون ساخت و اصلاحات مختلفی را در کشورهای با اقتصاد آزاد و مبتنی بر بخش خصوصی، موجب شد. در بعد دیگر، در اواخر قرن نوزدهم مکتب اتریش به رهبری کارل منگر ظهور کرد؛ او بر این عقیده بود که ایده اقتصاد رقابتی و مبتنی بر تصمیم‌گیری فردی، اساس ظهور خلاقیت‌ها و پیدایش اختراعات و ابداعات شمرده می‌شود. او اقتصاد متمرکز را بدون انگیزه، بی‌روح و محکوم به فروپاشی می‌دانست. بحران ۱۹۲۹، فرصتی برای پیدایش و شکوفایی مکتب کینز در مقابل مکتب کلاسیک‌ها بود. در این موج فکری، اصلی‌ترین عنصر نظام سرمایه‌داری یعنی سازوکار تعیین قیمت‌ها زیر سؤال رفت و دخالت دولت و بخش عمومی به منظور رفع نقایص

بازار و ایجاد تعادل، اقتصادی، ضروری و مجاز شمرده شد (متوسلی، ۱۳۷۳: ۴). قبل از آن که آثار کامل دخالت‌های دولت و بخش عمومی نمایان شود، آغاز جنگ جهانی دوم، تداوم و تشدید دخالت دولت را مطرح ساخت. پس از پایان جنگ نیز امر بازسازی خرابی‌های ناشی از جنگ در جهان صنعتی و کشورهای در حال توسعه، توجیحات محکم‌تری را برای دخالت دولت در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراهم کرد. بنابراین در طی دهه‌های پس از پایان جنگ جهانی دوم، دخالت دولت در اقتصاد، به حدی افزایش یافت، که دولت در اغلب اقتصادهای آزاد و مختلط مشابه اقتصادهای برنامه‌ای، از طریق اهرم‌های اجرایی خود (بنگاه‌های دولتی)، نقش فعالی را به خود گرفت. در خلال دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی، کشورهای صنعتی، دوران باثبات توأم با رشد اقتصادی معقول خود را طی نمودند و دولت‌ها با اجرای سیاست‌های کلان و خرد اقتصادی، موفقیت‌های نسبی را به دست آوردند. به همین دلیل هم به انتقادات محدود در آن دهه‌ها نسبت به دخالت دولت در اقتصاد اهمیت چندانی ندادند؛ تا این که دهه ۷۰ آغاز گردید و در طی آن، اتفاقات بین‌المللی پدیدار گشت؛ که هر کدام از آن‌ها در منتهی نمودن اقتصاد غرب به رکود و تورم نقش داشتند و در عین حال، اجرای سیاست‌های دهه‌های پیشین با شدت هر چه بیشتر، دنبال شد، ولی تفوق کمتری را محقق نمود.

نهایتاً با نزدیک شدن به پایان دهه ۷۰، حداقل در جهان غرب شاهد مشکلات عدیده اقتصادی و ناکامی‌های مستمر سیاست‌های اقتصادی هستیم؛ که به تدریج زمینه را برای طرح انتقادات و شک و تردید نسبت به دخالت دولت در اقتصاد ایجاد و مقوله‌هایی چون یافتن اندازه مناسب دخالت دولت، کارایی بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی، جایگزینی، دخالت، نظارت، هدایت و ... مطرح گردید. بدین ترتیب مجادله‌های نظری در محافل علمی نسبت به دخالت دولت و متقاعد شدن مدیران و تصمیم‌گیران اجرایی و سیاسی کشورها، نسبت به تخصیص غیربهبینه و ناکارآمد منابع تولید در اثر گسترش حجم و بروز اختلال در ابعاد مختلف اقتصادی، فکر و ایده بازنگری در سهم و اندازه دخالت دولت را جدی‌تر نمود و بار دیگر نظریه‌های کلاسیک توانست، گوی سبقت را از نظریه‌های رقیب به دست آورد.

سرانجام در پایان دهه ۷۰ و آغاز دهه ۸۰ در کشور انگلستان و به دنبال آن در بقیه کشورهای صنعتی از جمله فرانسه، ایتالیا و آلمان و تا حدی کشورهای در حال توسعه، بحث سیاست خصوصی‌سازی و کاهش در حجم دخالت دولت، به منظور رفع اختلالات و انگیزه‌های پیدایش آن‌ها مورد توجه جدی واقع شد. سرعت توجه به این موضوع، در میان کشورهای در حال توسعه، موقعی جدی‌تر شد، که

امپراتوری سوسیالیستی با شکست مواجه شد و کشورهای سوسیالیستی با کنار گذاشتن شعارها و سیاست‌های دولت‌سالاری خود، زمینه و انگیزه کاهش دخالت دولت از یک سو و میدان دادن به بخش خصوصی از سوی دیگر را فراهم آوردند. بدین ترتیب، سیاست خصوصی‌سازی یکی از مهم‌ترین سیاست‌های تعدیل اقتصادی در کشورهای در حال توسعه از اواسط دهه ۸۰ تلقی شد. (کميجانی، ۱۳۸۲: ۱۵)

در دیدگاه اقتصاد اسلامی نیز، نقش دولت در ایجاد توازن نسبی و نیز هدایت امور اقتصادی، به منظور ایجاد امکان مسیر تحقق عدالت اقتصادی است و نقش بخش خصوصی استفاده از فرصت‌ها و امکانات جهت ایجاد رشد اقتصادی و ارزش افزوده مبتنی بر اصول اقتصاد اسلامی می‌باشد. این مهم، بدون داشتن راهنما و ارکانی جهت‌ساز که بتوان در عرصه جهانی، ساختارهای مناسب و کامل یک نظام را جهت هدایت جامعه بشری نشان داد، میسر نمی‌گردد.

نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجربه چندین ساله عملکرد شرکت‌های دولتی در اقتصاد کشور و تجربیات اداره شرکت‌هایی که قبلاً در بخش خصوصی ایجاد و سازمان‌دهی شده بودند و لزوم ایجاد شرایط لازم جهت خیزش سریع به سمت توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه و در راستای بهینه‌سازی استفاده از منابع ملی، فرصت‌های موجود و دارایی‌های جامعه، تصمیم گرفت با اجرای سیاست واگذاری شرکت‌های دولتی، ناکامی‌های گذشته را جبران نماید و با کاهش تصدی‌گری خود، از فرصت‌ها و نیروهای موجود به نحو مطلوب‌تری در جهت افزایش سطح رفاه و تعدیل پراکندگی توزیع درآمد در جامعه استفاده نماید (همان، ۱۳۸۲).

لذا واگذاری امور به بخش خصوصی بعد از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ شتاب بیشتری گرفت، لیکن در ادبیات و گفتمان مقام معظم رهبری از سال‌های قبل، بر موضوع واگذاری امور اقتصاد به آحاد مردم و تقویت بخش خصوصی تأکید ویژه شده است.

ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از سوی مقام معظم رهبری، در حقیقت بیانگر نوع نگرش نظام به فعالیت‌های اقتصادی کشور است. هدف اصلی از ابلاغ این سیاست‌ها، تبدیل اقتصاد فعلی کشور به یک اقتصاد پویا، توسعه‌ای و رقابتی است که با کاهش تصدی‌گری دولت و توسعه فعالیت‌های بخش خصوصی امکان‌پذیر خواهد بود. در چارچوب فرایند خصوصی‌سازی، یک اقتصاد رقابتی شکل گرفته و اقتصاد رقابتی به تغییر نقش دولت، ایجاد امکانات مالی جدید و گسترش رفاه عمومی منجر می‌شود. خصوصی‌سازی از جمله اثربخش‌ترین و ضروری‌ترین راهبردهای دستیابی به صنعت و اقتصادی مترقی و پویا است. اصل ۴۴ قانون اساسی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و

خصوصی استوار است و در صورتی که این اصل مطابق دیگر اصول قانون اساسی محقق شود، رشد و توسعه اقتصادی را در پی خواهد داشت. داشتن اقتصادی متمرکز و دولتی، نتیجه عدم پایداری به اصل ۴۴ قانون است تا جایی که برخی معتقدند ۸۰ درصد اقتصاد کشور دولتی است (کیان‌پور، ۱۳۸۸). لازمه ورود بخش خصوصی به اقتصاد نیز رفع موانع و بهبود مستمر فضای کسب‌وکار است. در واقع بهبود فضای کسب‌وکار به معنای بهبود و رونق فضای تولیدی و در نتیجه سنگ بنا و محرک رشد اقتصادی و محرومیت‌زدایی است؛ به گونه‌ای که اصلاح و بهبود فضای کسب‌وکار زمینه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد، ارتقای سطح اشتغال و تولید و مشارکت آحاد جامعه را فراهم می‌سازد. در دهه ۱۹۸۰ بسیاری از اقتصاددانان به ضرورت کاهش تصدی‌گری دولت در فعالیت‌های اقتصادی برای حضور فعال بخش خصوصی و به زعم خود خصوصی‌سازی روی آوردند و از اواخر دهه ۱۹۹۰ بهبود فضای کسب‌وکار موضوع اصلی سیاست‌گذاران اقتصادی بوده است که در صورت اجرا راهکار مناسبی در محرومیت‌زدایی کشور خواهد بود. در سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه نیز بهبود فضای کسب‌وکار کشور با تأکید بر ثبات محیط اقتصاد کلان، فراهم آوردن زیرساخت‌های ارتباطی، اطلاعاتی، حقوقی، علمی و فناوری مورد نیاز، کاهش خطرپذیری‌های کلان اقتصادی، ارائه مستمر آمار و اطلاعات به صورت شفاف و منظم به جامعه مدنظر قرار گرفته است (اشرفی و فهیمی فر، ۱۳۹۰).

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد نمی‌توان کشوری یافت که در دوره‌ای بلندمدت رشد اقتصادی بالا داشته باشد اما این مهم با درون‌گرایی اقتصادی یا دولتی بودن اقتصاد حاصل شده باشد. این یافته یکی از نتایج اصلی نظریه اقتصاد است، زیرا می‌توان نشان داد در یک اقتصاد با مالکیت خصوصی و رقابتی که در آن آزادی مبادله و سرمایه‌گذاری وجود دارد، وضعیت اقتصاد به بهینه پارتو نزدیک‌تر است. لذا در حوزه نظری می‌توان به کارایی بیشتر مالکیت بخش خصوصی بر فعالیت‌های اقتصادی صحنه گذاشت و نشان داد توسعه تجارت و سرمایه‌گذاری سطح بالاتری از رفاه ایجاد می‌کند. در حوزه تجربی نیز نمی‌توان کشوری یافت که با درون‌گرایی و تسلط بخش دولتی به رشد‌های بالا و پایدار در دوره‌ای بلندمدت دست یافته باشد. بنابراین تمرکز اصلی در این بخش، افزایش تولید از راه افزایش سرمایه‌گذاری و بهره‌وری با استفاده از دو راهبرد «برون‌گرایی» و «توسعه بخش خصوصی» است (نیلی، ۱۳۹۶: ۴۱۱-۴۱۲).



**مفهوم‌شناسی ارکان جهت‌ساز:**

**دکترین:** اصول بنیادی که ارگان‌ها با توسل به آن اقدامات خود را در پشتیبانی از اهداف ملی هدایت می‌کنند؛ دکترین به خودی خود لازم‌الاجراست، اما به‌کارگیری آن باید با قوه تشخیص مقامات صورت گیرد (علمایی، ۱۳۸۴: ۱۷۶).

دکترین نظریه، اصول یا قواعد بنیادین معتبری هستند که هدایت‌کننده اقدام در پشتیبانی از سیاست‌ها و برنامه‌ها در جهت تأمین اهداف بوده و به کار بردن آنها مستلزم درک مقتضیات و تصمیم‌گیری صحیح و منطقی می‌باشد. کاربرد دکترین در سطح ملی شامل هدایت قدرت ملی در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، نظامی و اقتصادی است (نوروزی، ۱۳۷۸: ۱۴۶).

آقابخشی و همکاران در تعریف دکترین آورده‌اند: «اصول و قواعدی که در هر یک از شاخه‌های علوم و یا در میان پیروان یک آیین مورد تصدیق و اعتقاد باشد.» (آقابخشی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۹۵)

دلاوری نوشته است: «واژه دکترین در زبان لاتین، به معنای آموزه، سیاست، مکتب، آیین و اصول و قواعد پذیرفته شده توسط یک فرد، گروه و یا ملت است. هر نظام فکری، خط‌مشی و فلسفه‌ای که مبنای عمل قرار گیرد، می‌تواند دکترین تلقی شود. در فرهنگ‌نامه‌های لغات و اصطلاحات سیاسی، دکترین، به معنای آیین، اصول عقیده، نظریه، تعلیم، مکتب، اصل سیاسی، نظریه، آموزه، اصول (عقاید) تعلیمات، تعالیم و ... به کار رفته است.» (دلاوری، ۱۳۷۸: ۱۱۳)

**اهداف:** عبارت است از بیان نتایج مورد انتظار (شامل کار مشخص و قابل اندازه‌گیری) در محدوده زمانی خاص و با هزینه‌ای معین. منظور از هدف‌گذاری، تفکیک مأموریت‌ها یا اهداف دوربرد به اهداف کمی و کیفی کوتاه‌مدت است که برای یک واحد و سرانجام یک فرد شاغل قابل اجرا باشد. (رضائیان، ۱۳۸۴: ۱۱۲)

هدف‌گذاری خوب باعث تمرکز بر فعالیت‌ها و ایجاد هماهنگی وحدت می‌گردد. با هدف‌گذاری؛ امکان تدوین شاخص‌ها و معیارها و ارزیابی عملکرد فراهم می‌گردد. (فرهنگی و همکاران، ۱۳۸۴: ۵۱۶)

به عبارت دیگر هدف بیان کلی و سنجش‌پذیر مقاصدی است که حوزه‌ی کلان فعالیت سازمان را برای تحقق رسالت و چشم‌انداز آن تعقیب می‌نماید. لذا هدف‌گذاری مبنایی برای برنامه‌ریزی، سازماندهی، ایجاد انگیزه و کنترل است و بیان کلی و سنجش‌پذیر مقاصدی است که حوزه‌های کلان فعالیت سازمان را برای تحقق رسالت و چشم‌انداز آن تعقیب می‌کند. (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۲۲۱)

**سیاست:** به معنای عام به نحوی اهداف، اعمال، هنجارها، قوانین و مقررات، ارزش‌ها، نظام‌ها، اصول، نتایج و تصمیم‌ها را در برمی‌گیرد. (الوانی، ۱۳۷۶) سیاست‌ها چارچوب‌های منطقی‌ای هستند که

چگونگی تصمیم‌گیری‌ها را معین می‌کنند. سازمان در فقدان سیاست‌های مناسب از دستیابی به مجموعه تصمیم‌های هماهنگ در سطح سازمان و در طول زمان محروم خواهد ماند. (حسن‌بیگی، ۱۳۹۰: ۳۹۰) سیاست‌گذاری در امور کشورداری عبارت است از: تعیین، تدوین و ارائه ضوابط و موازینی که در آن مقتضیات کلی دولت اعمال و مصالح جمعی ملت تأمین شود. (هاشمی، ۱۳۶۶: ۴۹)

از نظر الوانی، «سیاست‌گذاری مجموعه اعمال هدفمندی است که به وسیله بازیگر یا بازیگرانی در رابطه با یک موضوع دنبال شده و از مهم‌ترین ویژگی‌های آن پایداری، آینده‌نگری، واقع‌بینی و نمایان‌گری است.» (الوانی، ۱۳۸۷: ۲۵)

### مفهوم‌شناسی بخش خصوصی:

بخش خصوصی، شامل بخشی از فعالیت‌های اقتصادی می‌شود که در تملک دولت نیست. بانک توسعه آسیایی<sup>۱</sup> بخش خصوصی را در سه سطح بنگاه‌های شخصی و خصوصی، بنگاه‌های درون یک صنعت و بنگاه‌های درون یک اقتصاد طبقه‌بندی می‌نماید. (مافی، ۱۳۹۱)

بخش خصوصی به مجموعه اشخاص حقیقی و حقوقی و نهادهایی اطلاق می‌شود که با انگیزه کسب سود و بر مبنای مالکیت، مدیریت و عملکرد با ماهیت غیرعمومی و غیردولتی با پیروی از نظم بازار و در عرصه بازار و در چارچوب قوانین، قواعد و مقررات موضوعه به فعالیت‌های تولید و عرضه کالاها و خدمات و توزیع و بازرگانی می‌پردازند. (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۳)

در تعریفی جامع‌تر بخش خصوصی را می‌توان بدین نحو تعریف کرد: بخشی است که در آن منابع مالکیت بر کالا و خدمت خصوصی و یا عمومی از محل ثروت و یا تعهد خصوصی تأمین شده، هدف آن بیشینه کردن منافع خود از طریق ارائه‌ی کالا و خدمات به اشخاص در بازارهای رقابتی است و قدرت کنترل کامل اعم از ایجابی و سلبی بر دارایی خود داشته باشد. در مورد انحصارات طبیعی، فعالیت بخش خصوصی در بازارهای تنظیم‌یافته براساس قانون صورت خواهد گرفت. بازار و رقابت محرک و تنظیم‌کننده‌ی روابط بین اشخاص در این بخش است و هزینه‌های مخاطره‌های اقتصادی و ورشکستگی به‌طور مستقیم و یا با چند واسطه، به‌طور کلی و یا جزئی به‌هیچ‌وجه قابل انتقال به منابع عمومی و یا منابع در کنترل حاکمیت نیست. (آخوندی، ۱۳۹۱)

بخش خصوصی ارتباط نزدیکی با مفهوم مالکیت دارد. مالکیت خصوصی یعنی استفاده، کنترل، مالکیت و قابلیت دورانداختن یا اهدا کردن زمین، سرمایه و دیگر اشکال مالکیت توسط افراد قانونی و

<sup>۱</sup> Asian Development Bank (ADB)

شرکت‌های تحت مالکیت خصوصی است. این مالکیت از مالکیت عمومی و اشتراکی - که به منابع در تملک حکومت، جامعه یا دولت اشاره دارد و نه افراد حقیقی و یا بنگاه اقتصادی - قابل تمایز است.

### **قلمرو فعالیت بخش دولت و بخش خصوصی در اقتصاد:**

در فعالیت‌های اقتصادی، دولت نوعاً باید نقش تکمیلی را عهده‌دار شود و نقش اصلی در این گونه فعالیت‌ها باید به بخش خصوصی (و بخش تعاونی) سپرده شود. یان تینبرگن از جمله اقتصاددانانی است که بر این نقش تکمیلی دولت تأکید دارد و در کتاب «طرح توسعه» خود این نکته را صراحتاً مطرح می‌کند که حفاصل و مرز فعالیت‌های بخش‌های دولتی و خصوصی باید به نحوی تعیین شود که فعالیت‌های بخش دولتی صرفاً به حوزه‌هایی منحصر و محدود گردد که به رغم ایجاد انگیزش‌های مناسب و برقراری تشویق‌های لازم، به هر حال بخش خصوصی از ورود در آن حوزه‌های فعالیت سرباز می‌زند. بدین ترتیب از دیدگاه این اقتصاددان فعالیت‌های دولت باید به امور زیر محدود شود:

- ایجاد و حفظ شرایط اقتصادی - پولی با ثبات؛

- تنظیم فعالیت‌های اقتصادی در جهت جلوگیری از بروز بیکاری‌های گسترده؛

صرف‌نظر از وظایف اجرایی، نظارتی و تکمیلی مطرح شده، در برداشت «تینبرگن» مشارکت بخش عمومی در زمینه تولید فقط باید به حوزه‌هایی (مانند امور نظامی، دفاعی و انتظامی، کارهای امدادی جمعی و نظایر آن) محدود و منحصر گردد که از لحاظ ادامه حیات و حفظ امنیت ملی حائز اهمیت است. (تینبرگن، ۱۹۵۸)

فلذا مهمترین دلایل لزوم توجه به بخش خصوصی و اهداف، دستاوردها، پیامدها و آثار حاصل از آن عبارت‌اند از: افزایش رشد اقتصادی، افزایش فرصت اشتغال، کاهش تورم، افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه بازار سرمایه و بورس، تشویق مالکیت و مشارکت مردمی، ارتقای کیفیت کالاها و خدمات، حذف کسری بودجه دولت (شفاف و پنهان)، توقف فرار سرمایه از کشور و تشویق بازگشت سرمایه به کشور، افزایش قابلیت صادرات و رقابتی جهانی کشور، ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری، افزایش مسئولیت‌پذیری مدیران، افزایش بهره‌وری (کارایی و اثربخشی)، افزایش رقابت داخلی، انضباط اقتصادی و مالی، افزایش قدرت نظارتی دولت، کاهش نقش دولت و بخش عمومی در اقتصاد. (خالقی، غلامحسین و دیگران، ۱۳۸۹)

**وظایف و قلمرو فعالیت‌های بخش خصوصی در اقتصاد نظام ج.ا.ایران:**

بخش خصوصی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از لحاظ نقش و قلمرو از همان پویایی بخش دولتی برخوردار است و ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در مراحل مختلف رشد حدود فعالیت این بخش را مشخص می‌کند. در این بخش که شامل فعالیت‌های فردی یا شرکت‌ها و واحدهای خصوصی است، سرمایه لازم باید از طریق منابع و پس‌اندازهای خصوصی اشخاص تأمین گردد. فعالیت‌های این بخش می‌تواند در زمینه‌هایی که خارج از حیطه فعالیت دولت تعریف شده است، سازمان یابد. گذشته از این، فعالیت‌های بخش خصوصی نیز مانند فعالیت‌های بخش دولتی تابع برنامه‌ریزی عمومی اقتصادی کشور است.

در اصل ۴۴ قانون اساسی در خصوص سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی این مطلب تصریح شده که «تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون تعیین می‌کند». بنابراین این پرسش می‌تواند مطرح شود که آیا موارد برشمرده در بخش دولتی، بنابراین از مدلول اصل مذکور استنباط می‌شود، باید به صورت مالکیت عمومی «در اختیار دولت» قرار گیرد یا فارغ از مفاد صریح این اصل عملاً «در انحصار دولت» باشد. قاعداً مدلول قسمت دوم اصل ۴۴ یعنی «بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ ... و مانند اینهاست که به صورت مالکیت عمومی در اختیار دولت است» نباید این معنا را متضمن باشد که صنایع و موارد برشمرده به لحاظ خصیصه مالکیت عمومی در انحصار دولت نیز قرار دارد و به بیان دیگر عبارت «در اختیار دولت است» تحقیقاً معنای «در انحصار دولت است» را افاده نمی‌کند. (طرح و ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی نیز بر اساس چنین تفسیر و منطقی استوار است.)

نکته دیگر این مطلب است که در اصل ۴۴ قانون اساسی بخش خصوصی صراحتاً به منزله مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی مطرح شده است: «بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است». چنین نقش مکملی را علی‌الاصول باید دولت عهده‌دار شود و در عرصه فعالیت‌های اقتصادی فقط در جهت تکمیل فعالیت‌های خصوصی حضور داشته باشد. (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۲۰)

لازم به ذکر است، اشتغال بعضی از دولت‌ها در عرصه وسیعی از فعالیت‌های اقتصادی کشور طی چند دهه اخیر باعث شده، در کیفیت انجام امور سیاست‌گذاری و حاکمیتی که در شمار وظایف اصلی دولت است اختلال ایجاد گردد.

## اداره امور اقتصاد بخش خصوصی:

ادامه خط‌مشی مباشرت دولت در جمیع امور اقتصادی در شرایط کنونی و با نیازها و الزامات این مرحله از رشد اقتصادی کشور سازگار نیست. با اصلاح تأسیسات عمومی و نهاد آرایه‌های نوین، نقش اصلی دولت باید - از طریق ایجاد زیربناهای نهادی و حقوقی و کالبدی و غیرکالبدی - به تسهیل فرآیند رشد بخش خصوصی محدود و منحصر گردد.

صرف‌نظر از نظم و قواعد طبیعی بازار، فعالیت‌های بخش خصوصی در چارچوبی از قوانین و مقررات موضوعه انجام می‌شود که وجود این نهادها و چارچوب‌های حقوقی را می‌توان به منزله «قواعد بازی» حاکم بر عملکرد آنها قلمداد کرد. این قواعد و مقررات بر شرایط شکل‌گیری و جریان رشد این بخش‌ها و همچنین جلوگیری از اعوجاج و انحراف فعالیت آنها از مسیرهای مطلوب نقش و تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد. قواعد ناظر بر فعالیت بخش خصوصی، گستره وسیعی از قوانین را دربرمی‌گیرد که از جمله می‌توان به قانون مدنی، قانون تجارت، قانون تعاون، قوانین و مقررات صادرات و واردات، قانون کار و بیمه‌های اجتماعی، قوانین مالیاتی، قوانین پولی، اعتباری و ارزی، قوانین رقابت و ضد انحصار، مقررات زیست‌محیطی و بسیاری دیگر از مقررات و آئین‌نامه‌ها و همچنین نهادهای تنظیم‌کننده اشاره کرد. انگیزه اصلی برای تدوین این قوانین و مقررات ایجاد تأسیسات و نهادها و چارچوب حقوقی لازم برای تداوم فعالیت و توسعه بخش خصوصی و تنظیم مناسبات آن با دولت و جامعه و همچنین سامان دادن به فعالیت‌های این بخش در جهت تسهیل جریان رشد اقتصادی و جلوگیری از اعوجاج‌ها و عوارض منفی فعالیت‌های این بخش است. در کشورهای پیشرفته صنعتی شکل‌گیری تأسیسات حقوقی و نهادی کارآمد برای فعالیت‌های نوعاً خصوصی عملاً طی چند قرن محقق شده است و همین امر نیز زمینه رشد سرمایه‌داری و پویایی و بالندگی آن را فراهم کرده است. در عین حال باید توجه داشت که ایجاد چارچوب نهادی فعالیت بخش‌های یادشده در اقتصادهای بازار و ازلحاظ اقتصادی موفق، هیچگاه به معنای وضع مقررات زائد و مزاحم نبوده است و این تأسیسات حقوقی که با ملاحظه مزیت‌های این گونه سازماندهی اقتصادی و با هدف تسریع جریان رشد اقتصادی ایجاد گردیده، همواره نقش تسهیل‌کننده و نظم‌دهنده داشته‌اند. در اقتصادهای مبتنی بر بازار و کارآمد، اصل آزادی فعالیت است و موارد ممنوعیت استثناء محسوب می‌شود، لیکن در اقتصادهای با بخش دولتی گسترده و غیرکارآمد، اصل ممنوعیت فعالیت‌های اقتصادی است و مشارکت بخش خصوصی در حوزه‌های محدود و با صدور مجوز و ابزارهای کنترلی مشابه امکان‌پذیر است. بنابراین در این نظام‌ها حجم عظیم و ترکیب پیچیده‌ای از مقررات و قوانین دست و پاگیر همواره به صورت مانعی به‌ویژه برای فعالیت

بخش خصوصی ایجادشده و هزینه انواع اقسام کنترل‌ها و مقررات محدودکننده و مزاحم به شکل عدم کارایی و انحراف از مسیر رشد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و پیامدی نامطلوب آن به زبان مردم ظاهر گردیده است.

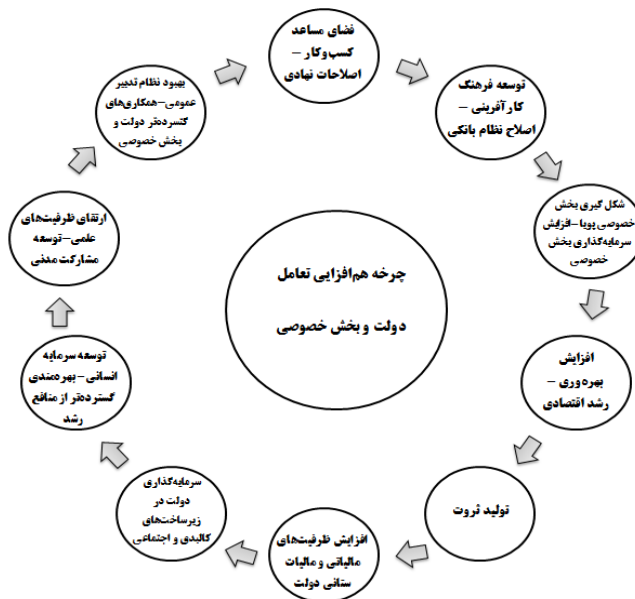
در همین حال کارکرد مؤثر بازار از یک سو در گرو استقرار نظام‌های حقوقی و نهادی پایدار است که در چارچوب آن حقوق مالکیت به نحو روشن و صریح تعریف و تضمین شده باشد و از سوی دیگر مستلزم مجموعه‌ای از قواعد اجتماعی و اقتصادی قابل پیش‌بینی و باثبات است که شرایط و فضای بلندمدت را برای استمرار فعالیت‌ها بدون ترس از حوادث و رویدادهای احتمالی درآینده فراهم سازد. (صدیقی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۱۹)

وظایف دولت در اقتصادهای مبتنی بر بازار استقرار قواعد بازی، پیگیری هدف‌های اجتماعی و برقراری نظام تأمین اجتماعی مناسب، تجهیز درآمد برای تأمین فعالیت‌های بخش عمومی و مصرف کارآمد درآمدهای بودجه‌ای، تفیذ قراردادهای و حمایت از مالکیت خصوصی و تولید کالاهای عمومی است. برای جلوگیری از اعوجاج‌های بازار وظیفه استقرار نهادهای تنظیم‌کننده فعالیت‌های اقتصادی نیز بر عهده دولت است. بخش خصوصی از لحاظ اصولی می‌تواند در همه حوزه‌هایی که (باتوجه به پاره‌ای ملاحظات اجتماعی و امنیتی) ممنوعیت قانونی وجود ندارد، وارد شود.

بدین ترتیب شرایط اصلی اداره امور بخش خصوصی را می‌توان چنین برشمرد:

- تعریف روشن و گسترده حقوق مالکیت خصوصی و تضمین آن با تکیه بر مشخص کردن نظام انگیزشی فعالیت‌ها در زمینه کسب سود، تراکم و انباشت سرمایه، ضوابط گسترش واحدهای تولیدی، سرمایه‌گذاری مجدد و دیگر عناصر پایه‌ای رشد؛
- کوچک کردن دولت و مقررات‌زدایی در جهت کاستن از مالکیت، مدیریت و مقررات و کنترل‌های دولتی و آزادسازی قیمت‌ها و تجارت و مبادلات؛
- رفع ابهام‌های نهادی، حقوقی و قانونی در زمینه روابط اجتماعی به‌ویژه در زمینه فعالیت‌های تولیدی در جهت ایجاد امنیت سرمایه و فضای مناسب سرمایه‌گذاری و رشد فعالیت بخش خصوصی؛
- منطقی کردن حمایت‌های دولتی و برقراری انضباط مالی و محدودیت‌های بودجه‌ای در جهت شکل‌گیری اقتصادی آزاد، غیردولتی و غیر یارانه‌ای؛
- زمینه‌سازی برای استقرار یک جریان رشد باثبات و اجتناب از تغییرات پیاپی سیاست‌ها؛

- ایجاد زیربناهای لازم برای توسعه بخش خصوصی با تکیه بر اصلاحات نظام بانکی، ساماندهی بازار پول و گسترش و تعمیق بازار سرمایه؛
  - ایجاد شرایط رقابت و کاستن از انحصارها و استقرار نهادهای تنظیم‌کننده؛
  - اتخاذ استراتژی‌های تجاری - صنعتی برون‌گرا با تکیه بر تعامل فعال و متقارن با اقتصاد جهانی و درهم‌آمیزی‌های منطقه‌ای؛
  - ایجاد و ساماندهی بازارها (بازار کار، بازار کالاها و خدمات، بازارهای مالی و ...) و استقرار تأسیسات معطوف به رشد و تنظیم فعالیت بخش خصوصی از طریق اصلاح قوانین و مقررات و نهادسازی‌های مناسب.
- تعامل دولت و بخش خصوصی در شکل زیر با عنوان چرخه هم‌افزایی نمایش داده شده است. (همان، ۱۳۹۴: ۱۱۸-۱۲۱)



شکل شماره ۱- چرخه هم‌افزایی تعامل دولت و بخش خصوصی

نهایتاً می‌توان بیان داشت، کاستن از حوزه‌های تصدی‌گری و مداخله‌های مستقیم و غیرمستقیم دولت در فعالیت‌های اقتصادی (مقررات‌زدایی) از یک سو و تقویت امور حاکمیتی و ظرفیت‌سازی در درون دولت از سوی دیگر، مفهوم اصلی اداره امور اقتصاد بخش خصوصی است. نقش اصل دولت در حوزه اقتصاد باید به زیربناسازی و ایجاد فضای مناسب و تسهیل‌کننده رشد بخش خصوصی معطوف

گردد و واحدهای و فعالیت‌های اقتصادی که اکنون در اختیار دولت است به تدریج به بخش خصوصی واگذار شود. اجرای سریع و کارآمد سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی مهمترین گام در دستیابی به این هدف محسوب می‌شود.

### دیدگاه‌های مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای پیرامون بخش خصوصی:

در زمینه‌ی اهمیت نقش بخش خصوصی در اقتصاد ملی، ایشان رهنمودهایی جامع و کاملی در طی سنوات گذشته داشته‌اند که برخی از آن‌ها به شرح ذیل می‌باشد؛

«بخش خصوصی را باید کمک کرد. اینکه ما «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم، خوب، خود اقتصاد مقاومتی شرایطی دارد، ارکانی دارد؛ یکی از بخش‌هایش همین تکیه‌ی به مردم است؛ همین سیاست‌های اصل ۴۴ با تأکید و اهتمام و دقت و وسواس هرچه بیشتر باید دنبال شود؛ خوب، باید فکری بکنید برای اینکه بخش خصوصی توان‌بخشی بشود؛ حالا از طریق بانک‌هاست، از طریق قوانین لازم و مقررات لازم است؛ از هر طریقی که لازم است، کاری کنید که بخش خصوصی، بخش مردمی، فعال شود. بالاخره اقتصاد مقاومتی معنایش این است که ما یک اقتصادی داشته باشیم که هم‌روند روبه رشد اقتصادی در کشور محفوظ بماند، هم آسیب‌پذیری‌اش کاهش پیدا کند. یعنی وضع اقتصادی کشور و نظام اقتصادی جوری باشد که در مقابل ترفندهای دشمنان که همیشگی و به شکل‌های مختلف خواهد بود، کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند. یکی از شرایطش، استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های دولتی و مردمی است؛ هم از فکرها و اندیشه‌ها و راهکارهایی که صاحب‌نظران می‌دهند، استفاده کنید، هم از سرمایه‌ها استفاده شود. اکثر کسانی که می‌خواهند وارد میدان اقتصادی بشوند، اهل کار سالمند. باید با چشم‌های تیزبین، ریزبین و دوربین مراقبت کنید که کسانی نیایند به‌عنوان ایجاد اشتغال و ایجاد کار و کارآفرینی تسهیلات بانکی بگیرند، اما کارآفرینی واقعی انجام نگیرد. به‌نظر من همکاری قوه‌ی مجریه و قوه‌ی قضائیه در اینجا یک کار بسیار لازمی است. (۱۳۹۱/۰۶/۲۰ در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت) و یا در خصوص توانمند کردن و تشویق بخش خصوصی، بیان داشتند: «مسئله‌ی اقتصاد مهم است؛ اقتصاد مقاومتی مهم است. البته اقتصاد مقاومتی الزاماتی دارد. مردمی کردن اقتصاد، جزو الزامات اقتصاد مقاومتی است. این سیاست‌های اصل ۴۴ که اعلام شد، می‌تواند یک تحول به وجود بیاورد؛ و این کار باید انجام بگیرد. البته کارهایی انجام گرفته و تلاش‌های بیشتری باید بشود. بخش خصوصی را باید توانمند کرد؛ هم به فعالیت اقتصادی تشویق بشوند، هم سیستم بانکی کشور، دستگاه‌های دولتی کشور و دستگاه‌هایی که می‌توانند کمک کنند - مثل قوه‌ی مقننه و قوه‌ی قضائیه - کمک کنند که مردم وارد میدان اقتصاد شوند.» (۱۳۹۱/۰۵/۰۳ در دیدار کارگزاران نظام)



معظم له در خصوص تقویت بخش خصوصی فرموده‌اند «البته ما در اعلام و ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ یک هدف بزرگی را در نظر داشتیم و داریم. طبق منطوق خود آن اصل، ما بایستی در زمینه‌ی مالکیت دولت و فعالیت اقتصادی دولت تجدیدنظر می‌کردیم، و این تجدیدنظر انجام گرفت. با چه هدفی؟ با هدف ایجاد یک اقتصاد رقابتی با حضور بخش خصوصی و سرمایه‌ی بخش خصوصی در عرصه‌ی اقتصاد کشور. محاسبه کردند که مبلغ مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری در این پنج سال، سالی حدود ۱۶۰ میلیارد دلار است. در زمینه‌ی اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ کارهای خوبی انجام گرفته، بایستی تحرک بهتری انجام بگیرد. مسئله فقط این نیست که ما بنگاه‌های اقتصادی را واگذار کنیم و بگوئیم واگذار شد؛ در کنار این واگذاری، کارهای دیگری لازم است: بایستی بخش خصوصی توانمند بشود، باید امکان مدیریت خوب پیدا کند، نظارت برای جلوگیری از سوءاستفاده باید انجام بگیرد.» (۱۳۹۰/۰۵/۲۶ در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور)

دیدگاه‌های مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به بخش خصوصی و حمایت از آن توأمان با عدالت است فلذا بیان داشته‌اند: «ما طبق برخی از سیاست‌هایی که امروز در دنیا رایج است و طرفداران زیادی هم دارد، نیستیم که صرفاً به رشد تولیدات و رشد ثروت در کشور فکر کنیم و به عدالت در کنار آن فکر نکنیم، نه این منطق ما نیست. نوآوری نظام ما همین است که می‌خواهیم عدالت را با توسعه و با رشد اقتصادی در کنار هم و با هم داشته باشیم.» (حدیث ولایت، ۱۳۹۰: ۱۲۴)

## روش‌شناسی تحقیق

### نوع و روش تحقیق:

این پژوهش از این نظر که یافته‌های آن می‌تواند مورد استفاده متولیان امر قرار گیرد، از نوع کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش، شامل کلیه بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) در رابطه با بخش خصوصی بوده و با توجه به نوع پژوهش، فرضیه مشخص نگردیده است. برای گردآوری داده‌ها از شیوه تمام شمار استفاده است. همچنین برای استخراج گفتمان رهبر معظم انقلاب در خصوص بخش خصوصی از روش نظریه مبنایی (داده بنیاد) بهره گرفته شده است.

## تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش، با استفاده از روش نظریه مبنایی (داده بنیاد) سه مرحله کدگذاری انجام گرفته است. این روش یکی از راهکارهای پژوهش کیفی است. روش نظریه مبنایی یکی از راهکارهای پژوهش کیفی است. در این روش، بیانات و مکتوبات مقام معظم رهبری در ارتباط با بخش خصوصی در سه محور (دکترین، اهداف و سیاست‌ها) و با توجه به مراحل فرآیند داده بنیاد مورد تحلیل قرار گرفته است.

## کدگذاری باز:

در این مرحله، تمامی مطالب و داده‌ها مورد مطالعه واقع و به هر کدام از داده‌های مرتبط با موضوع، یک عنوان یا مفهوم اختصاص یافته است.

## کددهی محوری و شکل‌دهی طبقه‌های فردی:

### کدگذاری محوری:

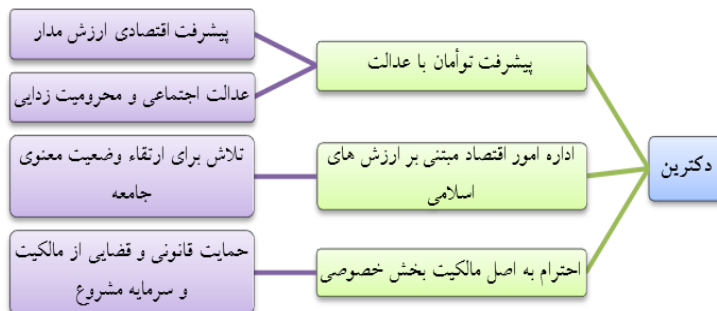
در این مرحله کدهای اولیه به علت تعداد فراوان آنها به کدهای ثانویه تبدیل شدند. با استفاده از تکنیک مقایسه پایدار، زمینه ظهور ابعاد مشترک مفاهیم که همان کدگذاری محوری است، امکان‌پذیر می‌گردد.

### کدگذاری انتخابی:

کدگذاری انتخابی<sup>۱</sup> مرحله اصلی نظریه‌پردازی است که براساس نتایج دو مرحله قبلی کدگذاری، به تولید نظریه می‌پردازد. به این ترتیب که مقوله محوری را به شکلی نظام‌مند به دیگر مقوله‌ها ربط داده، آن روابط را اثبات پژوهشی کرده و طبقه‌هایی را که به بهبود و توسعه بیشتری نیاز دارند، اصلاح می‌کند. در واقع پژوهشگر با کنار هم نهادن طبقه‌ها و براساس روابط بین آنها، یک تصویر انتخاب می‌کند. تمام رویه‌ها در استراتژی داده بنیاد به سمت تولید نظریه براساس داده‌های گردآوری شده هدایت می‌شوند.

## یافته‌های تحقیق و تجزیه تحلیل یافته‌ها

در مجموع در پایان تحلیل بیات و مکتوبات مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، درخصوص هر کدام از محورهای دکترین، اهداف و سیاست‌ها مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی حاصل شده است که شکل‌های شماره ۲، ۳ و ۴ نشان داده شده‌اند.



شکل شماره ۲- مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به دکترین مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

<sup>۱</sup> Selective Coding



شکل شماره ۳- مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به اهداف مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظ‌العالی)



شکل شماره ۴- مؤلفه‌ها و شاخص‌های مربوط به سیاست‌های مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظ‌العالی)

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با استفاده از روش نظریه مبنایی، در پاسخ به مسئله اصلی پژوهش "تدوین نشدن دکترین، اهداف و سیاست‌های مقام معظم رهبری، دکترین، اهداف و سیاست‌های مقام معظم رهبری درخصوص اقتصاد بخش خصوصی با توجه به دست آمدن مفاهیم و مطابقت مستمر کدهای اولیه و سپس شکل‌گیری کدهای محوری و انتخابی، دکترین اهداف و سیاست‌ها از منظر ایشان به عنوان ارکان جهت ساز نظام به صورت شکل شماره ۵ مدل مفهومی ذیل ارائه می‌گردد. در دکترین ایشان "پیشرفت توأمان با عدالت"، "اداره امور اقتصاد مبتنی بر ارزش‌های اسلامی" و "احترام به اصل مالکیت بخش خصوصی" از

مؤلفه‌های اصلی محسوب می‌شود و در اهداف ایشان "افزایش سهم بخش خصوصی در اقتصاد ملی"، "اتکاء به ظرفیت‌های اقتصاد بخش خصوصی"، "ارتقاء امنیت اقتصادی فعالیت بخش خصوصی"، "مشارکت‌افزایی عمومی برای فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی" و "اقتصاد رقابتی و رقابت‌گستر" و در سیاست‌ها "توانمند کردن بخش خصوصی"، "ثبات اقتصادی برای فعالیت بخش خصوصی"، "مبارزه با فساد در حوزه اقتصاد"، "حمایت از تولید ملی برای جلب مشارکت بخش خصوصی" و "دانش‌بنیان نمودن فعالیت‌های اقتصاد بخش خصوصی" مورد تأکید قرار گرفته است.

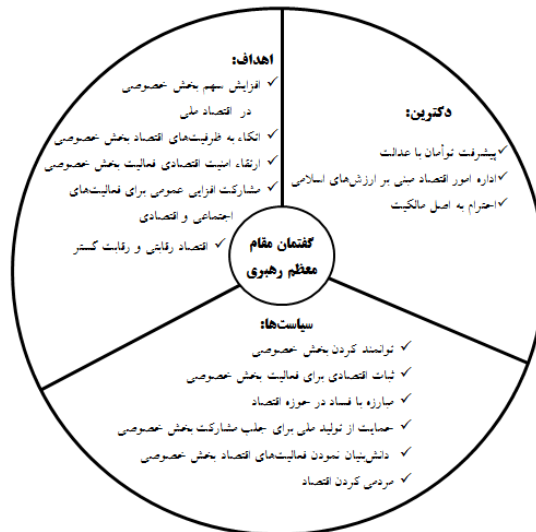
بطور کلی پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاران و مجریان اداره امور بخش خصوصی قبل از هرگونه برنامه‌ریزی و اقدام، دکرین، اهداف و سیاست‌های رهبر معظم انقلاب را مورد توجه خاص قرار داده و بر اساس آن به سازماندهی، هماهنگی، هدایت و رهبری، پیاده‌سازی، اجرا و کنترل و نظارت برنامه‌ها اقدام نمایند تا اهداف متصور و دکرین نظام در این بخش محقق گردد. سایر پیشنهادها به شرح زیر می‌باشد: علی‌ایحال تقویت بخش خصوصی از طریق ایجاد فضای مناسب برای کسب‌وکار، جلب سرمایه‌های خصوصی و اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ همزمان کوچک کردن اندازه دولت و تقویت کارکردهای حاکمیتی آن و نیز کاهش تصدی‌های دولت و رقابتی کردن فعالیت‌ها به وسیله حذف یا تنظیم انحصارات محقق می‌گردد.

- توسعه اقتصاد کشور توأمان با عدالت به‌عنوان شعاری محوری نظام از مسیر توسعه بخش خصوصی راهبری شده و تولید ثروت توسط این بخش در همه اشکال آن از جمله، تولید علم نافع و متصل به فناوری توسط ارکان نظام محترم شمرده شده و محور همه سیاست‌های اقتصادی، علمی و حتی سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور قرار گیرد.

- اهتمام و رویکردهای اصلی سیاست‌های اقتصادی و ناظر به فعالین اقتصادی با تأکید بر سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی بر موضوعاتی نظیر شفاف‌سازی اطلاعات، بسط رقابت، آزادسازی فعالیت‌های اقتصادی، رانت‌زدایی و سالم‌سازی اقتصاد، ایجاد امنیت اقتصادی و بهبود مستمر محیط کسب‌وکار به نوعی متمرکز شود که در یک برنامه میان‌مدت، جایگاه کشور در شاخص‌های بین‌المللی ذکر شده مرتبط بهبود یابد.

- در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در نظام ج.ا.ایران، حمایت از بخش خصوصی و تولید ثروت را به‌عنوان وسیله و ابزاری برای تحقق استقلال سیاسی و اقتصادی، رشد معنوی و کمالات انسانی، بسط عدالت مدنظر قرار گیرد.

- از بزرگ شدن بیش‌ازحد حجم و تصدی‌های دولت پیشگیری کرده و دولت در حدود تعیین‌شده سیاست‌های کلی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و قانون آن ایفاء نقش نماید.
- مادامی‌که محیط کسب‌وکار بهبود نیابد، ارتقای عملکرد بنگاه‌ها و به‌طورکلی رشد بخش خصوصی ممکن نیست. دولت در همه سطوح مسئول برقراری فضای مطلوب برای کسب‌وکارهای یک کشور است تا رقابت‌پذیری آنرا تضمین کند. تمام اقداماتی که ازسوی بخش‌های مختلف دولت نظیر بخش قانون‌گذاری، اجرایی یا قضایی آن انجام می‌شود می‌تواند هزینه‌هایی به بنگاه تحمیل کند. جنس این هزینه‌ها نیز می‌تواند متفاوت باشد، مانند هزینه‌های مالی، زمانی یا ریسکی که بنگاه با آنها مواجه می‌شود. فلذا اقدامات تقنینی، اجرایی و قضایی با مقیاس تأثیرگذاری مثبت یا منفی بر فضای کسب‌وکار می‌بایست مورد سنجه نهادهای نظارتی قرار گیرد.
- نهادسازی‌های مناسب در جهت تسهیل مبادلات و همچنین کاهش هزینه مبادلات دربرگیرنده تعریف، تضمین و احترام به حقوق مالکیت خصوصی و استقرار ترتیبات لازم برای عقد و اجرای قراردادها همراه با ضمانت‌های کافی (امینت قراردادها) انجام و دخالت‌های دولت به حوزه‌های کارکردی و شکست بازار محدود گردد.
- ارکان حاکمیت و دستگاه‌های اجرایی نسبت به پیگیری هدف‌های اعلام‌شده در جهت ایجاد ثبات و هماهنگی در امور اقتصادی و همراه با کاستن از مراحل غیرضرور صدور مجوزها و دخالت‌های غیرمسئولانه در فعالیت‌های بخش خصوصی متعهد گردند.



شکل شماره ۵- مدل مفهومی ارکان جهت‌ساز بخش خصوصی از منظر مقام معظم رهبری امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

**منابع****- دینی**

- امام خامنه‌ای (مدظله العالی). (۱۳۹۰). حدیث ولایت. دفتر حفظ و نشر آثار امام خامنه‌ای (مدظله العالی).
- پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، آرشیو بیانات، دسترسی در سایت [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)

**- فارسی**

- آخوندی، عباس. (۱۳۹۱). بخش خصوصی: تلاش برای ارائه یک تعریف. تهران: اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی تهران.
- آقابخشی، علی. افشاری‌راد، مینو. (۱۳۸۳). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: نشر چاپار، ویرایش ششم.
- اشرفی، یکتا. فهیمی‌فر، فاطمه. (۱۳۹۰). بررسی شاخص‌های بهبود فضای کسب‌وکار با تأکید بر جایگاه ایران. مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۱۱، بهمن ماه.
- الوانی، سید مهدی. (۱۳۷۶). تصمیم‌گیری و خط‌مشی دولتی. تهران: سمت.
- الوانی، سید مهدی. شریف‌زاده، فتاح. (۱۳۸۷). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی، چاپ ششم.
- حسن بیگی، ابراهیم. (۱۳۹۰). مدیریت راهبردی. تهران: انتشارات سمت، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
- خالقی، غلامحسین. (۱۳۸۹). ارزیابی فضای کسب‌وکار صنعتی ایران در حمایت از بخش خصوصی با رویکرد کارت امتیازی متوازن علمی پژوهشی، نشریه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت.
- دلاوری، رضا. (۱۳۷۸). فرهنگ لغات و اصطلاحات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل. تهران: انتشارات دلاوری، چاپ اول.
- رزاقی، ابراهیم. (۱۳۷۶). تقدی بر خصوصی‌سازی ایران. تهران: رسا.
- رضائیان، علی، (۱۳۸۴)، اصول مدیریت، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، (سمت).

- صدیقی، کورس. صدیقی، کاوس. صدیقی، شهریار. (۱۳۹۴). *حوزه‌های چالشی و الزامات توسعه بخش خصوصی در برنامه ششم توسعه (فضاسازی‌ها، جهت‌گیری‌ها و سیاست‌ها)*. طرح مطالعاتی سیاست‌های توسعه بخش خصوصی در برنامه ششم اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی تهران، گزارش نهایی، ویرایش دوم.
- علمایی، داود. (۱۳۸۴). *راهنمای تدوین دکترین (پاتاجو، نوئل)*. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ. (۱۳۸۴).
- فرهنگی، علی‌اکبر و همکاران. (۱۳۸۴). *نظریه‌پردازان و مشاهیر مدیریت*. تهران: فراندیش، چاپ اول.
- کمیجانی، اکبر. (۱۳۸۲). *ارزیابی تاش عملکرد سیاست خصوصی‌سازی در ایران*. تهران: وزارت امور و اقتصاد و دارایی، چاپ اول.
- کیان‌پور، سعید. (۱۳۸۸). *بررسی اجمالی خصوصی‌سازی در چند کشور منتخب با اشاره‌ای بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بررسی‌های بازرگانی، شماره ۳۸، صص ۲۰-۲*.
- مافی، فرزانه. (۱۳۹۱). *اندازه‌گیری عملکرد توسعه بخش خصوصی در جهت اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ - مقایسه ایران با برخی کشورهای منطقه چشم‌انداز*. تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک، گروه پژوهشی اقتصاد، پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
- متوسلی، محمود. (۱۳۷۳). *خصوصی‌سازی یا ترکیب مطلوب دولت و بازار در توسعه اقتصادی*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- نوروزی، محمدتقی. (۱۳۷۸). *فرهنگ دفاعی-امنیتی*. تهران: انتشارات سنا، ص ۴۱۹.
- هاشمی، سید محمد. (۱۳۶۶). *مدیریت سیاسی*. تهران: انتشارات ریاست جمهوری.
- نیلی، مسعود. (۱۳۹۶). *اقتصاد ایران چگونگی گذر از ابر چالش‌ها*. تهران: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، جلد اول و دوم، چاپ اول.

#### ب- انگلیسی

- Tinbergen, Jan. (۱۹۵۸). *Design of Development*. Washington D.C.